

## برده آخر

## نقدی بر نمایش «تبرئه» کارمیزه محامدی بی‌گناهی مجرمان یا گناه داوران



رضا آشفته

● «تبرئه» نمایشی مستند و اجتماعی است که به بی‌گناهان زندانی، شکنجه‌شده و حتی اعدام‌شده در زندان‌های آمریکا می‌پردازد. می‌دانیم که آمریکا بیشترین زندانی را در جهان دارد و این خود نمودار آن حکایتی است که در آن اجرای عدالت گاهی –خواه‌ناخواه- همراه با بی‌عدالتی خواهد شد. اما این مسئله‌ای نیست که منحصر به آمریکا باشد و در هر کشور و شهری و ناچار چنین ستمی بر بسیاری از آدم‌ها تحمیل خواهد شد، چون کار داوری همیشه هم سراسرت نخواهد بود و گاهی خبط و خطاهایی هم بر سر راه پلیس و دادگاه خواهد بود که به ناچار منجر به این بی‌عدالتی‌ها خواهد شد. بنابراین آنچه این دو نویسنده آمریکایی (اریک جنسون و جسیکا بلیک) بر اساس گفت‌وشنود از تبرئه‌شدگان زندان‌های آمریکا نوشته‌اند، می‌تواند بسترساز یک پدیده غیرقابل‌کتمان باشد و این خود حساسیت افراد مرتبط با مجرمان را دوچندان می‌کند که با کوچک‌ترین خطایی ممکن است ستمی ناروا را بر یک فرد بی‌گناه تحمیل کنند که به سادگی هم بخشوده نخواهد شد، مگر فرد تبرئه‌شده این بخشش را شامل حالشان گرداند و گاهی نیز با مرگ و فرسودگی تن و عمر دیگر هرگز فرصتی برای بخشش هم باقی نمی‌ماند.

میزهٔ محامدی می‌خواهد تاتار مستند کار کند، بنابراین زیاد در قیدوبند یک اجرای تاتاری به مفهوم معمولش نیست، بلکه می‌خواهد این متن را طوری اجرا کند که در نهایت بشود درباره وضعیت و این نمونه‌هایی که در آن بررسی شده‌اند، تفکر کرد. به عبارت بهتر بشود با تفکر انتقادی نسبت به چنین موضوع و مسئله‌ای درنگ و تأمل کرد.

بنابراین او در صحنه به شکل نمادین سه قفس را در کنار هم چیده و چندین چهارپایه که در جاهایی از کار با بازی‌هایی تبدیل به میزآنسن‌های ساده و ترکیبی می‌شوند… اما در این بین جا داشت که از این قفس‌ها بیشتر استفاده کند، چون هر یک از این آدم‌ها در درون قفس بوده‌اند که نباید می‌بوده‌اند، این گویای تناقض است. تجلی این حضور و پس از آن آزادی می‌توانند بیانگر یک چالش بزرگ در حد کابوس تلقی شود، چنانچه این نقش‌ها هم از آن دوران به سختی و ملال یاد می‌کنند… به‌هروری طراحی مینی‌مالیستی است، اما این خود دلیل نمی‌شود که حرکت‌ها و ترکیب‌هایی را در دل این قفس‌ها مشاهده نکنیم و اتفاق الان بیشتر حالت ظاهری و آرایه و عاریه‌ای یافته است، اما با حضور بازیگران در درون قفس‌ها می‌شد کارکرد آن را در منافات با آزادی و بیرون قفس‌بودن مشاهده کرد…

بازیگران هم نخواست‌ه‌اند زیاد بازی‌ها درونی و حسی را متجلی کنند، بلکه از بیرون به خطاهای روانی دیده‌شده به آنان از سویی متن‌نویسان و



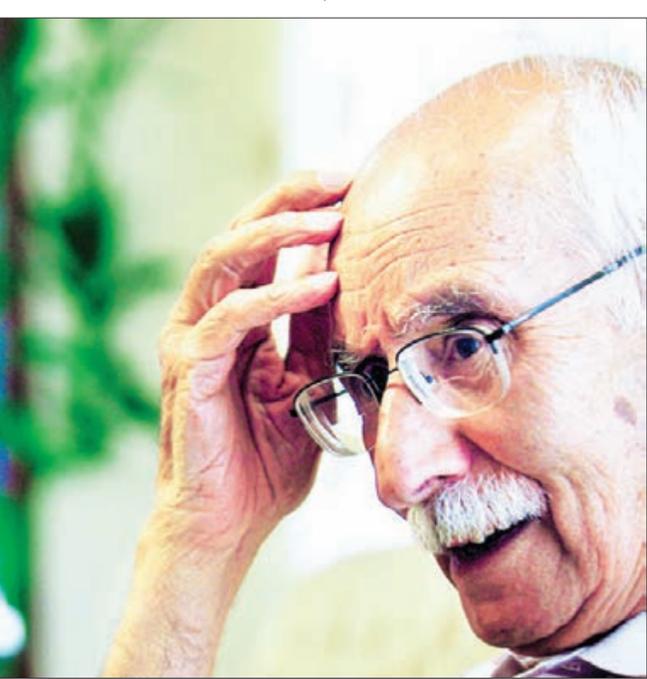
یحتمل سفارش‌ها و نکته‌سنجی‌های میزّه محامدی بسنده کرده‌اند… اما ای‌کاش می‌شد کمی هم تخیل و حس بیشتری هم آمیزه این روایت‌ها که در روایتگری ما بشود، هرچند تا این حد هم ما متوجه اصل ماجرا می‌کنند و می‌شود به آن نگاه انتقادی از دردناکی وضعیت رسید که این خود بیانگر کارکرد دقیق تاتار مستند است، اما باز هم حس می‌شود که تاتار مستند در نهایت یک تاتار است و باید از چارچوب‌های خاص خودش نیز به‌بهرداری باشد. شاید محمّد اسکندری نمونه بارزی برای این روایتگری‌ها باشد. او با کلام به درستی دست‌وپنجه نرم می‌کند که هم بازی‌اش جذاب باشد و هم روایتش گویای داستان و مطلب باشد و هم در نهایت بتواند از احساسات به دور بماند. او در نقش نویسنده کار (اریک جنسون) خودش نمونه نیز به‌بهرداری است. شاید محمّد اسکندری درستی زاویه دیدی بدون جن‌وبضخ را به چالش می‌کشد… اما گویا شخصیت دلبرت در بازنویسی محامدی دچار ممیزی شده است، چون این نقش آنچنان که باید مفهوم نیست، البته موضوع او هم با توجه به تجاوزه به عنف حتماً به راحتی میسر نبوده که کامل‌تر بیان شود… فرناز رهنما هم در زیادی جدی‌گرفتن نقش است که دارد خودی نشان می‌دهد و اینکه این‌همه به ناروا او را قاتل دانسته‌اند و تحت شرایط سخت و شکنجه‌گونه اذیت‌وآزارش کرده‌اند… مابقی بازیگران هم در همین حدود فقط دارند روایت می‌کنند و چارچوب کلی کار را برای ارائه یک فضای دردمند پیش می‌برند… اما در کل کار محامدی به چشم می‌آید، چون فهم درستی از تاتار مستند دارد و این درست خلاف‌فهم آن چیزی است که این‌روزها به نام تاتار مستند اجرا می‌شود، اما لریز از احساسات است و این همان نقطه‌ضعفی است که اثر را از کارکرد درست و ویژه‌اش بیرون می‌آورد.

## یادداشت . هنر

به مناسبت انتشار ورونمایی از کتاب «حق و سوءاستفاده از آن» تألیف محمدعلی موحد

# موحد جان شیفته

**مرضی بیک‌بیاتی**



ایران معاصر پرده برداشت تا آنجا که کتاب‌هایش از مراجع دسته اول در حیطه یادشده به حساب بیاید، حدود نیم‌قرن کارهای شایسته‌ای را در آن شرکت انجام داد و نامش با تاریخ نفت ایران عجین شده است. شایان ذکر است که استاد موحد نه‌فقط در نفت ایران که در حوزه بین‌المللی موضوع نفت نیز شناخته‌شده و نامدار است؛ برای نمونه همین بس که در آغاز به کار تأسیس اوپک در ژنو سمت معاونت اجرایی این سازمان را بر عهده داشته و در بسیاری از داوری‌ها و دعاوی نفتی بین‌المللی به عنوان عضو ناظر یا در مقام صاحب‌نظر متخصص حضور داشته و همچنان، نهادهای مذکور گاهی از مشاورت و مؤانست با ایشان، درصد حل مشکلات خود برمی‌آیند و البته افزون بر اینها یا در کنار همه اینها به دلیل حس ایران‌دوستی و مسئولیت‌پذیری به تحقیق، تحلیل و بررسی موضوع نفت در تاریخ سیاسی ایران معاصر همت گمارده و با شور و اشتیاقی بسیار دل در مسیر پربخج‌وتاب یکی از مهم‌ترین دوره‌ها و جریانات تاریخ ایران گذاشت که مهم‌ترین دستاوردش در این زمینه کتاب خواب آشفته نامی است (این کتاب تاکنون در چهار جلد منتشر شده که مجلدات بعدی آن همچنان انتشار می‌یابد). این اثر عنوان جایزه کتاب سال را به خود اختصاص داده است. جلد نخست آن به موضوع نهضت ملی‌شدن صنعت نفت ایران در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم اختصاص دارد و جلد دوم این مجموعه به توصیف تحولات پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تا انعقاد کنسرسیوم مبروط می‌شود، جلد سوم این کتاب هم شامل دو بخش اصلی و اصلی‌تر است؛ یک بخش مقدماتی که به تغییر و تحولات ایران از زمان کشف نفت در سال‌های ماقربا با نهضت مشروطه پرداخته تا حدود ۲۰ سال بعد که با خاتمه جنگ اول جهانی و فراموش شدن یک ثبات نسبی بالاخره فرصتی به وجود آمد تا به‌صورتی جدی‌تر از پیش به حساب و کتاب و اجور معوقه شرکت نفت انگلیس و ایران رسیدگی شود.

در بخش دوم کتاب دکتر موحد به حساسیت‌هایی رسیدگی و اشاره می‌کند و رشته مذاکرات پنج شش ساله را که در نهایت در سال ۱۳۱۱ باعث نفع قرارداد دارسی می‌شود و امضا و انعقاد یک قرارداد جدید با شرکت نفت در سال بعد «از آن رای می‌گیرد، بررسی می‌کند، سپس در جلد چهارم هم به‌نوعی در ادامه تاریخ نفت در ایران که به دوره‌هایی تقسیم شده است، ضمن بررسی پیشینه‌ها و زمینه‌ها به مواردی اشاره می‌کند که در آنها قبل از لغو دارسی مذاکراتی صورت گرفته است و در یک دوره مذاکره‌کننده ایران فیروز بوده و در دوره‌ای دیگر آرمیتاز، همچنین در قرارداد موسوم به ۱۹۱۹ مقرر شده بود که ایران یک مستشار بی‌اورد که به همین مناسبت وزارت دارایی انگلستان یک مستشار انگلیسی را معرفی و پیشنهاد می‌کند و این پیشنهاد هم مورد قبول واقع می‌شود و آن مستشار انگلیسی برای انجام مذاکره توافقی هم کرده که این توافق از طرف ایران هیچ‌گاه رسمیت پیدا نکرد، در واقع این قرارداد ظاهر مورد نفي و انکار ایران بود و عملاً و باطن آن قرارداد آینه‌ای برای روابطمان قلمداد می‌شد. باری، این جلد برخلاف مجلدات پیشین که هریک دوره‌هایی کوتاه و چندساله از موضوع نفت را بازگو می‌کردند، دوره طولانی ۴۰ساله از قرارداد دارسی تا سقوط رضاشاه را روایت می‌کند. این مجموعه و کتاب‌های دیگری مانند «گفته‌ها و ناگفته‌ها» و «ملی‌کردن و غرامت» به‌طورکلی اطلاعات ممتازی از تاریخ نفت ایران و داوری‌های نفتی و به طریق اولی تاریخ معاصر ایران و جریانات و حوادث مرتب بر سر آن ارائه می‌کند و سعی دارد به بررسی شخصیت‌ها، عوامل، آثار و تبعات پیرامون این پدیده مهم و این صنعت پرطمطراق ایران بپردازد. این محقق همچنین کتاب خواب آشفته را به‌روشنی تعبیر و تفسیر کرده است. موحد از رازهای مهم یکی از مهم‌ترین دوران تاریخ

قرن‌های پس از آن قرن روی داده در امان مانده است و وجه تمایز بارز تصحیح نیکلسون و تصحیح موحد از مثنوی معنوی این است که موحد از هفت نسخه بدل (شش نسخه تک‌دفتری و یک نسخه کامل) بهره برده و نیکلسون آن هفت نسخه را نداشته است و علاوه بر این هفت نسخه، موحد آن نُسخ (variants) نیکلسون را هم مینا و معیار مقالات پرداخت که همین امر باعث شناخته‌شدن و نفوذ شمس در بین احاد مردم ایران از طریق خواندن گفتارهایش در مقالات شد. در زمینه انتشار کتاب‌هایی درباره شمس تبریزی در داخل و خارج از کشور و نیز تک‌نگاری درخصوص هویت، شخصیت، زمینه و زمانه شمس‌تبریزی و به‌طورکلی مجموع عوامل شمس‌شدن شمس‌تبریزی و مولاناکردن او و پرداختن به مواردی از این قبیل تلاش کرد و توانست با استنادبه شواهد و قرآنتی مقبره شمس‌تبریزی در خوی را کشف و احیا کند.

همین‌طور استاد موحد سکه کتاب‌هایی مانند اسطراب حق (گزیده فیه مافیة)، باغ سبز (گفتارهایی درباره شمس و مولانا)، خمی از شراب ربانی (گزیده مقالات شمس)، قصه قصه‌ها (کهن‌ترین روایت از ماجرای شمس و مولانا)، تصحیح ابتدائنامه (از محمدبن محمد سلطان ولد)، تصحیح رساله در مناقب خداوندگار (از فریدون ابن احمد سپهسالار با همکاری استاد صمد موحد) را به نام خود ضرب کرده است؛ البته ناگفته نماند که تازه‌ترین اثر تحقیقی او در همین حوزه تصحیح انتقادی بر مثنوی معنوی (در دو مجلد) است که به‌تازگی (زمستان ۱۳۹۶) از سوی انتشارات هرمس در تهران منتشر شد و بنا بر عقیده صاحب‌نظران پس از تصحیح انتقادی رینولد نیکلسون انگلیسی این تصحیح از دقیق‌ترین تصحیح‌های مثنوی معنوی است؛ زیرا از زمان انتشار کار نیکلسون حدود ۹۰ سال می‌گذرد و کار او اولین تصحیح انتقادی از مثنوی معنوی با روش علمی نوین و درنظرداشتن منابع و نسخ متفاوت و متعدد و حتی‌الامکان نزدیک به مولانا بوده است که در آن دوره نسخه‌هایی که نیکلسون بر روی آنها کار کرده است، محدود بوده و در ضمن خیلی شناخته‌شده نبوده است و از بازه زمانی پس از تصحیح نیکلسون و براساس نسخه مشهور به نام نسخه «قونیه» که به نسخه‌های دیگر ارجاع داده نمی‌شد و به‌نوعی مقابله هم نشده است، نسخه‌هایی پیدا شده است که جدیدتر را شامل می‌شده است. از زمان انتشار این اثر به زبان فارسی بیش از نیم‌قرن می‌گذرد و ایشان همه افکار، احوال، اوضاع و شرایط ابن‌بطوطه را می‌شناسد و می‌کاود و ماجراها و فرازونشیب زندگی این سیاح در راه‌ها و کشورهای دورودراز و برخورد فرهنگ‌ها و اقوام مختلف را با نگاهی تیزبین و قلمی طنزآلود اما شفاف و صادقانه بیان می‌کند و حکایت‌ها و تجربه‌های تلخ و شیرین ابن‌بطوطه در سفر به ۴۴ کشور را بازخوانی می‌کند.

این کتاب پس از مقدمه‌ای مفصل از شش فصل تشکیل شده است که در دو بخش کلی آمده است. در بخش اول این اثر ما با سیاح قصه‌گو آشنا می‌شویم و در بخش دوم موحد انعکاس آینه آداب‌ورسوم، اجتماع و سیاست آن زمانه را



## روزنه آبی

## نگاهی به نمایشگاه عکس «وضعیت چهارم» کیارنگ علایی

## سرایشی برای زندگی



پژمان دادخواه

مدرس و پژوهشگر

● عکس‌های جدید کیارنگ علایی با نام «وضعیت چهارم» در گالری پروژه‌های آران به نمایش درآمده است. این مجموعه که شامل عکس‌های سیاه‌وسفید از گیلان است، لحظات متفاوتی از این خطه را به نمایش گذاشته و بیشتر حاصل تجربیات و دریافت‌های فردی عکاس از این منطقه است. شاید در وهله اول این عکس‌ها، عکس‌های اتفاقی و گزارشی به نظر آید؛ اما پس از اندکی تأمل در این آثار نیت‌مندی و دیدگاه مؤلف مشخص می‌شود. کوبی عکاس در این پروژه در پی جاودانه‌کردن لحظاتی بوده که دیده، تجربه کرده و زیسته است و این مسئله را می‌توان فارغ از هر امر دیگری نقطه قوت این مجموعه دانست. این مجموعه عکس به تعبیر خود عکاس در پی پرسه‌هایش در گیلان شکل گرفته‌اند؛ اما این پرسه‌ها، پرسه‌هایی از جنس شاعرانگی و زیست هنرمندانه است و از این نظر، یعنی نقش جهان‌بینی در شکل‌گیری اثر هنری، با سایر آثار این هنرمند قرابت دارد. چنانچه هنرمند در بخشی از بیانیه‌اش می‌گوید: «این‌نمایشگاه حاصلی است از پرسه‌زنی و اتصال من به گیلان؛ مجموعه‌ای از خاطره‌های و معشوق‌تراشی با گیلان و بسوی رودخانه‌هایش؛ تا در نهایت تکه‌ای از من را وصل کنند به جان گیلان و استمرار زمان را -در- لحظاتی که من آنها را دوست داشتم- قطع کنند تا تمام چیزهای بازمانده آن ساکن شوند و باقی بمانند. این تنها راهی بود که بلد نبودم تا گیلان نه از جان من برود و نه فراموش شود.» پروژه «وضعیت چهارم» مستند صرف و نمایش طبیعت، چشم‌اندازها و روزمرگی مردمان گیلان نیست؛ بلکه عکاس در پی نمایش جهانی متفاوت و با رنگ و بویی دیگر است.

عکس‌ها هرکدام دارای عنوانی برای معرفی آن موقعیت و منطقه است که این مسئله عکس‌ها را در مرز آثار مستند و فردی و ذهنی در نوسان نگه می‌دارد و به‌همین‌دلیل می‌توان این آثار را روایت شخصی عکاس از مناطق ثابتی دانست که بارها توسط آدم‌های گوناگون زیست شده و اکنون ما در این مجموعه عکس با زیست متفاوت و روایت دیگری از آن فضا و جغرافیا مواجه هستیم. کیارنگ علایی در این مجموعه، نقاط مختلف گیلان را از جوانب و زوایای متفاوت دیده و معنا و مفهوم زندگی و نقش انسان را در این فضا جست‌وجو کرده و به نمایش گذاشته است. موضوع‌های انسانی، حیوانی، موقعیت‌های مختلف، طبیعت و مناظر گیلان ازجمله مضامینی هستند که نشان‌دهنده جریان زندگی است و عکاس با نمایش آنها مسئله مهمی را در قالب تصویر بیان کرده است.



در این آثار به صورت مستقیم و غیرمستقیم به نقش انسان و ارتباط معنادارش با هستی و پیرامون اشاره شده و به‌نوعی این رابطه به‌ظاهر ساده؛ اما پیچیده، به وسیله عکاس واکاوی شده است. عکاس در ابتدای بیانیه‌اش گیلان را نه یک شگفتی بزرگ، بلکه صبری عمیق می‌داند و این مفهوم را در لحظات متفاوت زندگی روزمره مردمان این اقلیم جست‌وجو و درک کرده است. هرکدام از عکس‌ها آرامش، سادگی، سکون و سکوت معناداری را در خود دارند که بیان‌کننده مفهوم صبری است که عکاس در گیلان به آن رسیده است. در همه عکس‌ها حتی آنجایی که آدم‌ها در حال تلاش و انجام کار روزمره هستند، آرامشی عجیب و صبری عظیم حکمفرماست و سیاه‌وسفیدبودن تصاویر تأثیرگذاری این مفهوم را دوچندان می‌کند. همچنین سیاه‌وسفیدبودن عکس‌ها انتخاب هوشمندانه‌ای است که شاید بتواند این امکان را برای مخاطب فراهم کند که با تأمل و درنگ به مسائل مطرح‌شده در این آثار فکر کند و در پی کشف راز و معنای هر تصویر باشد. صمیمیت و حس‌وحال نابی که در تصاویر وجود دارد، بیشتر حاصل تأملات توأم با دغدغه عکاس در گیلان است و کمتر به ثبت آنی یک لحظه خاص شباهت دارد.

به بیانی دیگر این عکس‌ها با وجود ظاهری ساده، مسائل مهمی را برای مخاطب مطرح کرده که شاید پیش‌تر این‌گونه مورد توجه قرار نگرفته و از این نظر می‌تواند ذهن بیننده را درگیر کند. در نهایت درباره این مجموعه شاعرانه می‌توان گفت تجربیات و پرسه‌های شاعرانه کیارنگ علایی در گیلان دستمایه‌ای شده است برای سرایش شعر تصویری درباره زندگی.